

ملاحظات در مصاحبه های اعلیحضرت

در لندن

(قسمت دوم)

امیر فیض - حقوقدان

ادامه مطلب

۵- «من یکنفر این وسط شرط خودم را در این کار گذاشته ام که ما متکی خواهیم بود به کمک هم میهنان. در این رابطه کوچکترین بودجه ای از هیچ دولت خارجی و یادستگاه های امنیتی قبول نخواهیم کرد. **برای اینکه کوچکترین شکمی بوجود نیاید که این حرکت متاثر است و از جای دیگر حمایت و هدایت میشود.**»

در بشارت اعلیحضرت یک شکوفای فلسفی و ناسیونالیستی وجود دارد که برای اولین بار است که آنرا نصیب مبارزه ساخته اند. مبارکشان باد- این بشارت که شکست مشروعیت مبارزه را متاثر از حمایت و دخالت و کمک خارجی دانسته اند.

اهمیت ظریف و قابل دقت

آنطور که ناظریم، حتی در همین مصاحبه های لندن، مسئله لزوم کمک و پشتیبانی خارجی از مبارزه به عنوان یک اصل قابل قبول و مورد تقاضای اعلیحضرت قرار داشته یعنی همان تر مورد اعتراض سلطنت طلبان که سالها شخص اعلیحضرت مدافع آن بوده اند، آنهم در حدی که بین کمک و پشتیبانی جامعه جهانی و مبارزه قابل به رابطه لازم و ملزوم بوده اند.

با این سابقه، بار حقوقی در بیانات اعلیحضرت چگونه و چیست؟ این نکته ظریف را به اتفاق نگاه میکنیم.

۱- عبارت شرط کردم، در بیان ایشان متوجه این مقصود است که از هم اکنون شرط دارم که از پول و بودجه خارجی استفاده نکنم و در کلامی روشن، از آنجا که عمل غیرقانونی و غیراخلاقی و حتی غیرشرعی حکم عام دارد نیازی به تعهد و شرط اشخاص نیست، مگر در حالتی که شخص بخواهد تکرار عمل غیرقانونی و غیراخلاقی و یا شرعی خود را متوقف کند، که شرط میگذارد و طرف شرط در موارد قانونی حاکم است (تعلیق مجازات) و در موارد اخلاقی وجدان و در مراتب شرعی خداوند طرف شرط است (توبه).

موضوع و انگیزه شرط، اهمیت مشروعیت مبارزه معرفی شده است یعنی اساس و سرمایه مبارزه که اگر معیوب بود و به آمریت، پشتیبانی، حمایت و اهداف بیگانه پیوند یافت مبارزه فاقد اعتبار ملی میگردد مبارزه میشود تلاش برای تامین منافع بیگانه و مبارزین میشوند عوامل و سربازان بیگانگان علیه کشور مادر.

یک وقت موضوع شرط مثلا ترک دروغ و یا حرف سبک زدن است ولی یک وقت مانند شرط اعلیحضرت متوجه عملی است که شکستن شرط شرافت و شکست یک ملت را متضمن است **این دومی است که اهمیت آن از فرد به اجتماع و از اجتماع متحول به هویت ملی و تمامیت ارضی کشور میگردد.**

اعلیحضرت به اهمیت پاکی و آراستگی مبارزه، به احساسات ناسیونالیستی آگاه هستند که چنین شرطی را بعد از سالها بی اعتنائی به آن در این مصاحبه اعلام داشته اند بنابراین در جهت تحکیم شرط و دور ساختن از آفات این توضیحات بجاست.

a. <وسط> در کلام اعلیحضرت متوجه شورای ملی است و عبارت ایشان <من یکنفر این وسط> نشانگر تمایز عمل و رفتار ایشان نسبت به سایر اعضای شورای ملی است که از مجموع آنها در کلام <وسط> یاد شده است و در عبارت روشن تائیدی است که افراد شورای ملی بغیر از اعلیحضرت همگی وبلا استثناء از بیگانه پول میگیرند!

این نیت و تصمیم خیر و پسندیده متأسفانه باموقعیت اعلیحضرت همخوانی ندارد.

مشارکت در جمع نابکاران، جانی برای فعالیت خوبکاران نمیگذارد، جبران خلیل جبران، فیلسوف معروف لبنانی میگوید <آدمهای نیکوکار نمیتوانند از کارهای بد بدکاران در امان باشند - دستهای پاکیزه از کثافت‌های انسانهای کثیف برکنار نخواهند بود بسامیشود که انسان بی گناهی قربانی کسی میشود که جرم و جنایت به او نسبت داده شده است بدین جهت نمیتوان یک مرز واقعی بین اشرار و نیکوکاران که باهم داخل شده اند بوجود آورد - و تنها راه جدانی و دوری از آنهاست.

اینکه در جوامع، قانون انسان های بد را از خوبان جدا و آنها را زندانی میکند به اعتبار همین اصل کلی است.

حکیم مولوی کلیاتی مشهور در باب تاثیر همنشینی دارد از جمله است:

تا توانی میگریز از یارید یارید بدتر بود از مارید

مارید تنها ترا بر جان زند یارید بر جان و پرایمان زند

در باور همگانی ایرانیان، پایگاه قابل قبولی بر اینکه یک فرد خوب، در بین گروهی بد، فعال باشد و حتی آنها را حمایت و رهبری کند دیده نمیشود، و آنها این جریان را ظاهر سازی تلقی میکنند و از آیه ۱۴ سوره بقره الهام میگیرند که میگوید (منافقان چون با اهل ایمان گفتگو کنند گویند که ما ایمان آوردیم اما چون بایاران شیطان صفت خویش خلوت کنند گویند که ما با شما نیستیم و جز این نیست که اهل ایمان را به سخره میگیرند).

b. در بیان اعلیحضرت، شرط، متوجه بودجه است و بودجه هم متوجه وجه نقد و یا اعتبار است.

در این باب دو توجه خاص مراعات پذیر است.

اول- که بسیار مهم است، آنچه که باعث سلب مشروعیت مبارزه میگردد تنها کمک نقدی و یا تخصیص بودجه از جانب بیگانگان نیست که بتوجه اعلیحضرت رسیده است بلکه هرگونه دخالت و یا پشتیبانی و یا رهبری و حمایت از جانب کشورهای بیگانه عنصر اصلی تشکیل دهنده مشروعیت مبارزه را علیل میکند و ادامه و کیفیت مداخله و حمایت است که جامعه مقدس مشروعیت را از تن مبارزه بیرون میآورد.

دوم - اینکه شرط فرموده اند که کوچکترین بودجه ای را از هیچ دولت خارجی قبول نخواهند فرمود، چنین شرطی سالب وارد ساختن آفت عدم مشروعیت به مبارزه نخواهد بود بلکه صرف تقاضای کمک و پشتیبانی گرچه مطلوب کشور خارجی قرار نگیرد و یا بهره‌علتی متقاضی کمک، آنرا دریافت نکند، آفت، به مشروعیت مبارزه و اتهام وابستگی مبارزه به بیگانه جالفتاده است زیرا درخواست کمک و پشتیبانی، که اعم از بودجه و اعتبار و یا تبلیغات و امثال آنهاست، ایجاب شناخته میشود و با ایجاب است که جرم تحقق مییابد و نه قبول، و قبول سبب ورود کمک دهنده به دانه جرم میشود.

مقصود از این اشاره این است که شرط اعلیحضرت نمیتواند فقط نسبت به بودجه و پول تعلق گیرد بلکه درخواست کمک و پشتیبانی از جمله کمک تدارکاتی (مصاحبه با کانال ۲ - اسرائیل) هم همان حکم وجه نقد را دارد.

c. شرط اعلیحضرت به اینکه <هیچ بودجه ای از هیچ دولت خارجی و یا دستگاه امنیتی قبول نخواهم کرد> شرطی است که آثار آن محدود به شخص خودش است نه شورایی. در کلامی

دیگراعلیحضرت در شورای مزبور چه سمت و مقامی دارند که موقعیت تحویل و تحول پول و بودجه خارجی را داشته باشند که فرض عدم قبول آن مطرح گردد و باز در عبارت دیگر کشورهای بیگانه (آمریکا) بودجه و کمک رابه شورای ملی میدهند نه اعلیحضرت که ایشان خودشان راطرف شرط قرارداد اند یعنی درحالیکه شورایملی کمک های نقدی و اعتباری لازم رازز آمریکانیها میگیرد شرط اعلیحضرت یک امرشخصی خارج ازحیطه شورای ملی محسوب میگردد.

آنچه عرض شد در فلسفه تشیع هم جاری است به این کیفیت که اهل تشیع نمیتوانند از حقوق دولتی استفاده کنند زیرا شرع حقوق دولت را حرام میدانند، ولی شیعیان برای اینکه به کار حرام مبادرت نکرده باشند حقوق ماهیانه خود را میدهند به یک آخوند و آخوند آن پول رابه آنها برمیگرداند و این پول میشود حلال.

هنگامیکه روزنامه های آمریکانی فاش کردند که آمریکا دوملیون نقد به احمد مدنی (کارگزار و یار جان برکف امام=عنوانی که احمد مدنی برای خودش ساخته بود) پرداخت، احمد مدنی مدعی شد که هرگز پولی از آمریکا نگرفته است ولی بعد در اثر فشار ایرانیان گفت که من <احمد مدنی> پول از آمریکا نگرفتم بلکه آمریکانیها آنرا نقداً به منشی من دادند.

۲- دفاع اعلیحضرت از شورای ملی دفاع از عملکرد آنها از جمله حمایت و پشتیبانی مالی و غیرمالی از بیگانه هم هست و نمیتوان بین مرز حضور ایشان در شورا و حمایت از آن، با عمل افراد شورا در پول گرفتن از خارجی قائل به تفاوت شد چنانکه حکیمی گفته است.

<بنگرچه کسانی رادوست داری و چه کسانی ترادوست دارند، بعد معلوم میشود که توجه شخصیتی داری>

از نظر حقوق کیفری، هم اتهامی که متوجه یک شخصیت حقوقی است همه مدیران و مسئولین آن شخصیت را در برمیگیرد.

تضاد کمک خارجی و کمک ایرانیان

کمک خارجیان به مبارزه یک وصله بی شرافتی ملی است و یک داغ و علامت پاک نشدنی از وابستگی و نوکری مبارزه و رهبران آن به بیگانه است که این امر منفور همه ملتها خاصه ملت کهنسالار ایران است.

گیرندگان کمک های خارجی برای اینکه گرفتار این داغ ننگ آور مشهود نگردند، به کمپین جمع آوری پول از ایرانیان میپردازند چنانکه این شیوه، معمول مجاهدین خلق بوده است و مردم ساده خیال میکردند که با اعانه هانی که مجاهدین جمع میکنند هزینه هنگفت و ریخت و پاشهای مجاهدین تامین میشود.

اکنون نیز شورای ملی بمنظور جمع آوری اعانه دست به برقراری میهمانی و کمپین هانی درلوس آنجلس زده و یا خواهد زد، ولی از آنجا که بین آشکار بودن جریان کمک خارجیان به شورای ملی به اصطلاح ملی! و کمک ایرانیان یک تعارض برجسته و غیرقابل پوشش وجود دارد و این تعارض مانع موفقیت کمپین جمع آوری پول خواهد بود، لذا اظهارات اخیر اعلیحضرت در شرط گذاری به اینکه از بودجه خارجیان استفاده نخواهند کرد میتواند برای زمینه سازی موفقیت کمپین جمع آوری اعانه برای شورای ملی! به حساب آید، یعنی یک صحنه سازی در جهت گمراه سازی.

آیا این شرط گذاری اعلیحضرت تاچه حد معتبر و تاچه زمای شرط معهود است آینده نشان خواهد داد خاصه که تاکنون از اعلیحضرت هیچ شرط و تعهد سوگندی که بیای الزام و احترام رسیده باشد دیده نشده است.

حاشیه - کمپین جمع آوری اعانه بارها مورد امتحان اعلیحضرت قرار گرفته است و در نهایت رضایت خاطر مشهود نبوده یک علت کلی این است که <کسیکه از سرمایه خود استفاده نمیکند شایسته قرض و کمک نیست> (مقصود از سرمایه در مورد اعلیحضرت سرمایه ملی و هویتی است)

۶- تفاوت بین شورای ملی ایران و شورای سوریه

اعلیحضرت بر عایت دفاع از شورای به اصطلاح ملی؛، قائل به تفاوت بین آن، باشورای ملی سوریه شده اند، البته ایرادشان از این جهت وارد است که، دردنیا هیچ چیزی شبیه کامل ندارد وهرچیزی باچیزمثل خودتفاوت هانی دارد چنانکه دربین میلیادها انسان دونفر بیک شکل چه از نظرفیزیکی ویا روحی وجود ندارد.

ولی ملاک شباهت، درهماهنگی مستورها، ظواهر، کارکردها، دستاوردها وامثال آنهاست، چنانکه کشورهای غربی با آنکه هیچیک شباهتی تامه باهم ندارند بنابر ظواهری نزدیک بهم بنام کشورهای غربی نامیده میشوند.

چنانکه گروه اسلامی نصرت که درسوریه علیه اسد میجنگند با آنکه بنابراعلام آن گروه با القاعده پیوندی ندارد ولی به ملاحظه شباهت اعمال وروش مبارزه وابسته به القاعده شناخته شده اند.

شورای به اصطلاح ملی! ایران بنابرانگیزه تشکیل - زمان تشکیل - توصیه های بیگانگان درلزم تشکیل شورا - مخالفت باحکومتی که بهرحال غرب با آن مخالف است - کمکهای نقدی فراوان کشورهای اروپائی و آمریکائی به شوراهای لیبی و سوریه - وعده اینکه آینده ایران درگروه موفقیت شورای ایران است - چنانکه آینده سوریه و حکومت آن به شورای سوریه پیوست شده است - دخالت کشورهای مخالف حکومت سوریه ازجمله کشورهای عرب که مخالفت جمهوری اسلامی هم هستند ومشارکت سلفی ها، وهابی ها، که خوزستان ایران را از آن خود میدانند ومهمترین آنها قصد تجزیه ایران، که دقیقاً در ماده ۱۱ منشور به اصطلاح ملی! پیاده شده واینکه تجزیه سوریه وعراق هم در دستور شوراهای آن کشور قرار دارد و نیز قرآن بسیار دیگر، همراه حساسیت مسائل مربوط به میهن مجازمیدارد که فکر تفاوت بین شورای به اصطلاح ملی! ایران وسوریه فراموش ونگرانی ازالگو قرار گرفتن شورای ملی سوریه برای ایران جایگزین آن گردد.

۷- فعالیت گروه های سیاسی

سوال مطرح شده بااعلیحضرت این بود که <درایام اخیر فعالیت گروه های سیاسی بیشتر شده است، آیا کشورهای غربی این گروه اراجدی میگیرند؟>

پاسخ اعلیحضرت براین پایه است که <اگر قرار باشد جدی بگیرند بمناسبت برنامه ای است که آن گروه ها ارائه میدهند> توضیحی بر بیانات اعلیحضرت وارد بنظر میرسد.

فعالیت گروه های سیاسی علیه جمهوری اسلامی رابطه مستقیم دارد با مصوبات مالی که مقامات آمریکائی برای کمک وپشتیبانی ازگروه های سیاسی تخصیص میدهند.

هنگامی که آقای بوش برای بار دوم بریاست جمهوری آمریکا رسید خانم رایس وزیر خارجه آمریکا گفت: <سیاست حمایت از مخالفان جمهوری اسلامی را تقویت میکند ولزومه این سیاست تماس با آنهاست.>

اسناد مبارزه نشان میدهد بلافاصله گروهانی که خاموش بودند فعال شدند وگروه های بیشتری هم مانند قارچ سبز شد و این جریان آنقدر آشکار بود که روزنامه نیویورک تایمز نوشت: <باتجدید انتخاب بوش گروه های سیاسی مخالف جمهوری اسلامی ایران فعال شده اند>

کوتاه کنیم که این بیت شاهد موضوع است:

کرکسان میشوند گروه گروه هر زمان لاشه ای پدید آید

تشکیل شورای ملی سوریه که متعاقب شورای ملی لیبی تشکیل شد با استقبال مالی غیرقابل تصویری روبرو گردید تا آنجا که این تحریر در جریان قرار گرفته، آمریکا ۴۵ میلیون - کوفی عنان هنگام بازدید از سوریه ۱۰ میلیون - انگلستان یکبار ۵۰۰ هزار پوند وبار دیگر ۲ میلیون - اتحادیه اروپا ۴۰ میلیون به شورای سوریه پرداخته اند - برای وابستگان به شورای سوریه حقوق ماهیانه تعیین شده است - کشورهای آمریکا وانگلستان وفرانسه واتحادیه اروپا شورا را برسمیت شناخته است و.....

اینها مزایانی است که آدم های مستعد به نوکری بیگانه رابه تحرک درمیآورد جریان مانند فرنچایز است وقتی فرنچایزی در آمد داشت نوع کارش مهم نیست درآمد وافر آن است که سبب استقبال میشود.

باچنین موقعیتی که شورای سوریه یافت چرا شورای به اصطلاح ملی! ایران تشکیل نشود شورا تشکیل دادن که کاری ندارد، آنهم شورائی مانند شورای به اصلاح ملی! و برای نشان دادن هویت واهی آن هم کافی است که نام شخصیت های خانواده پهلوی هم ضمیمه شود که شده است.

پایان قسمت دوم به امید ادامه آن